

بررسی و مطالعه زیستگاه‌های دوره مس و سنگ شمال غرب کوه‌دشت، لرستان

حمزه قبادی زاده^۱

سیروان محمدی قصریان^۲

محمد رضا محمدیان^۳

چکیده

در نخستین فصل از بررسی‌های باستان‌شناسی دهستان‌های درب‌گنبد و بلوران در شمال غرب شهرستان کوه‌دشت، دوازده زیستگاه متعلق به دوره مس و سنگ شناسایی شده است. به منظور مطالعه و بررسی زیستگاه‌های شناسایی شده، آگاهی یافتن از نوع فرهنگ‌های مس سنگی منطقه بررسی و چگونگی شکل‌گیری زیستگاه‌ها و عوامل تأثیرگذار در پراکنش زیستگاه‌های دوره مس سنگی، یافته‌های حاصله از بررسی میدانی در سه دوره مس و سنگ قدیم، میانی و جدید دسته‌بندی و سپس تجزیه و تحلیل شده‌اند. مطالعات اولیه نشان می‌دهد که شروع شکل‌گیری برخی از زیستگاه‌ها از دوره مس و سنگ قدیم بوده و تا دوره‌های بعدی نیز ادامه یافته است. در دوره مس و سنگ میانی افزون بر افزایش تعداد استقرارها تغییراتی در الگوی پراکنش آنها و رواج زندگی رمه‌گردانی و عشایری در منطقه مشاهده می‌شود. همچنین همزمان با دوره مس و سنگ جدید در هزاره ۴ پ.م با توجه به شکل‌گیری فرهنگ‌های فرامنطقه‌ای در مناطق همجوار کوه‌دشت تأثیر و تأثراتی از فرهنگ‌های جنوبی افزون بر زاگرس میانی نیز مشخص می‌شود.

کلید واژگان: کوه‌دشت، درب‌گنبد، دوره مس و سنگ، سفال نوع جی، کوچ‌نشینی.

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی. دانشگاه تهران. نویسنده مسئول. h.ghobadi@alumni.ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی. دانشگاه تهران.

۳. کارشناس ارشد باستان‌شناسی. دانشگاه تهران. کارشناس اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان لرستان.

مقدمه

موقعیت ویژه جغرافیایی و قابلیت‌های بالای زیست‌محیطی منطقه کوهدشت در زاگرس میانی، این منطقه را از دیرباز تاکنون به یکی از کانون‌های مهم جمعیتی در غرب کشور مبدل ساخته است. وجود شماری از مهم‌ترین زیستگاه‌های باستانی ایران نظیر سرخ دُم لری، سرخ دُم لکی، توره‌ریز و کنی‌جونی در این منطقه بر این ادعا گواهی‌ست. البته ذکر این مطلب لازم است که به غیر از زیستگاه‌های یاد شده، منطقه پذیرای زیستگاه‌های زیادی از دوران پیش از تاریخ و به ویژه دوره مس‌سنگی مانند چیاپهن، چیازرگران، چیاسی (چیاسیاه)، چیاور و چندین محوطه دیگر نیز بوده است. شناسایی زیستگاه‌هایی از دوره مس و سنگ در نخستین فصل از بررسی‌های باستان‌شناسی در شمال‌غرب کوهدشت به وضوح اهمیت این ناحیه را در ارتباط با مطالعات دوره مس و سنگ در غرب ایران آشکار می‌سازد. در نتیجه بررسی‌های صورت گرفته در محدوده دو دهستان بلوران و درب‌گنبد در شمال کوهدشت که شامل بخش جنوبی دره هلیلان در جنوب رودخانه سیمره، دره بلوران و کشماهور می‌شود، ۱۲ محوطه از دوره مس و سنگ شناسایی شد که اطلاعات ارزشمندی را در ارتباط با فرهنگ‌های مس‌سنگی این ناحیه بیان می‌کند. مهم‌ترین پرسش‌های این پژوهش آن است که سنت‌های سفالی بررسی شده در این منطقه از چه نوع سنت‌های رایج در زاگرس میانی پیروی می‌کنند؟ شکل‌گیری و پراکنش استقرارهای مس و سنگی نواحی شمال‌غربی کوهدشت بر چه اساس و تحت تأثیر چه عواملی است؟ زیستگاه‌های شناسایی شده از نوع استقرارهای یکجانشین هستند یا زیستگاه‌های رمه‌گردانی؟ منطقه مورد بررسی چه ارتباطات، تأثیر و تأثرات فرهنگی را با مناطق همجوار خود داشته است؟

اساس پژوهش حاضر بر تلفیقی از بررسی‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای است. بدین منظور نخست محدوده‌ای به وسعت ۷۷۶ کیلومتر مربع در محدوده دو دهستان درب‌گنبد و بلوران در ۳۰ کیلومتری شمال کوهدشت بررسی پیمایشی فشرده گردید. در این ناحیه از شهرستان کوهدشت، ۱۲ محوطه از دوره مس و سنگ شناسایی شد. در ادامه یافته‌های جمع‌آوری شده عکاسی، طراحی و به منظور گاه‌نگاری و تحلیل آنها مطالعات مقایسه‌ای انجام گرفت.

پیشینه پژوهش

مطالعات و بررسی‌های باستان‌شناسی در کوهدشت از سال‌های ۱۹۳۶-۱۹۳۵م، با فعالیت‌های سرآورل اشتاین شروع شد (Stein, 1940). اشتاین در زیستگاه‌های مختلفی از جمله قلاگوری،

چیاپهن و چیاسور کوهدشت گمانه‌زنی کرد. تقریباً همزمان با اشتاین هیأت هلمز به سرپرستی اشمیت کوهدشت و دلفان (نورآباد) را طی چند فصل بررسی کرد و در زیستگاه‌های زیادی از جمله سرخ دُم‌لری در جنوب شرق دشت کوهدشت و کمتارلان^۱ و ۲، چغاسبز و میروالی در دره رومشگان را کاوش کرد (Schmidt *et al.* 1989: 4, 41-49). از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۴م، باستان‌شناسان دانمارکی با همکاری اداره کل باستان‌شناسی ایران، بررسی و کاوش‌های زیادی را در پیشکوه لرستان به خصوص در هلیلان و از آن جمله تپه گوران انجام دادند (Mortensen, 1975: 41; Meldgaard *et al.* 1963: 98, note 5). گروه دیگری به سرپرستی خانم کلر گاف مید از سوی مؤسسه باستان‌شناسی لندن، سال‌ها پس از اشمیت و یک سال پس از گروه دانمارکی بین سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۴۲ (۱۹۶۸-۱۹۶۴م)، ضمن بررسی دشت‌ها و دره‌های میان‌کوهی پیشکوه از جمله دشت کوهدشت، میربگ، خاوه و الشتر در باباجان نورآباد به کاوش پرداختند که نتایج آن در قالب چندین مقاله در مجله ایران منتشر شد (Goff, 1968; 1969; 1970; 1971; 1976; 1977; 1978; 1985). گروه گاف در کوهدشت از تپه‌های چیازرگران، چیاپهن، چیاسیاه (چیاسی)، سرخ دم‌لری و قلاگوری بازدید کردند. وی برای این زیستگاه‌ها بازه زمانی از دوران‌های مس و سنگ، اوروک، مفرغ و آهن را پیشنهاد کرد. گاف مید ضمن بررسی‌های خود مسیرهای کوچ بالا گریوه و نورعلی‌ره را پیمود که راه دومی از ترهان و رومشگان شروع شده و از طریق دشت کوهدشت به مناطق شمالی لرستان که سکونتگاه تابستانی عشایر بود می‌گذرد. گاف این مسیر که یکی از مسیرهای مورد استفاده هر ساله دامداران کوچرو برای کوچ سالانه بین مناطق جنوبی و شمالی لرستان بوده است را با مسیرهای احتمالی کوچ در گذشته تطبیق داد (Goff, 1971: 131-152). فعالیت‌های باستان‌شناسان ایرانی در حوزه فرهنگی پیشکوه غربی با بازدید محمد رحیم صراف، در سال ۱۳۴۸ هجری از غار دوشه و نقاشی‌های آن، تپه چغابل و بنای زاغه رومشگان آغاز شد. وی ضمن این بررسی تپه چغابل را ثبت کرد و آن را به دوره مس و سنگ نسبت داد (صراف، ۱۳۴۸). محمد مهریار و احمد کبیری در سال ۱۳۶۰ برخی از آثار باستانی بخش کونانی کوهدشت را بررسی کرده و گزارش‌های کوتاهی از بناهای باباسلام، چال‌زر، تپه کلوران و تپه چیاپل کونانی را ارائه دادند (مهریار و کبیری، ۱۳۶۰). حمید ایزدپناه در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ بر اساس بازدیدهای میدانی خود از آثار باستانی لرستان دو جلد کتاب را تحت عنوان آثار باستانی و تاریخی لرستان منتشر کرد (ایزدپناه، ۱۳۶۳). طی سال‌های ۱۳۷۹ تا



۱۳۸۳ یک تیم به سرپرستی آرمان شیشه‌گر در محوطه باستانی سُرخ دُم لکی، به مدت شش فصل مطالعات باستان‌شناختی را در کوهدشت از سر گرفتند. طبق گزارش‌های شیشه‌گر، محوطه سُرخ دم لکی تخته‌گاهی مربوط به عصر آهن ۲ است که ایشان این مکان را اِکودو یکی از مراکز الیپی‌ها (Ellipi) می‌داند (شیشه‌گر، ۱۳۸۴). بررسی نقوش صخره‌ای هومیان به سرپرستی لورنس رماکل و جلال عادل‌ی در سال ۱۳۸۴ ه.ش انجام شد که به موجب آن تعدادی از محوطه‌های دارای نقوش صخره‌ای از جمله سنگ مهرداد شناسایی شد (Otte et al. 2003; Remacle, et al. 2007). از جمله بررسی‌های تخصصی از دوران پارینه‌سنگی بررسی بابک مرادی در سال ۱۳۸۵ ه.ش است. مرادی در قالب این بررسی تعدادی غار و پناهگاه صخره‌ای از دوره پارینه سنگی میانه تا جدید شناسایی کرد (مرادی، ۱۳۸۷). همچنین دهقانی فرد شهرستان کوهدشت را در دو فصل و در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ بررسی کرده است (دهقانی‌فرد، ۱۳۸۶). از دیگر پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام شده در دشت کوهدشت کاوش تپه توبره ریز (تور ریز) است. کاوشگر اعتقاد دارد که این تپه دارای استقرارهایی از دوران مفرغ قدیم، آهن و اشکانی است (خدیش، ۱۳۸۶).

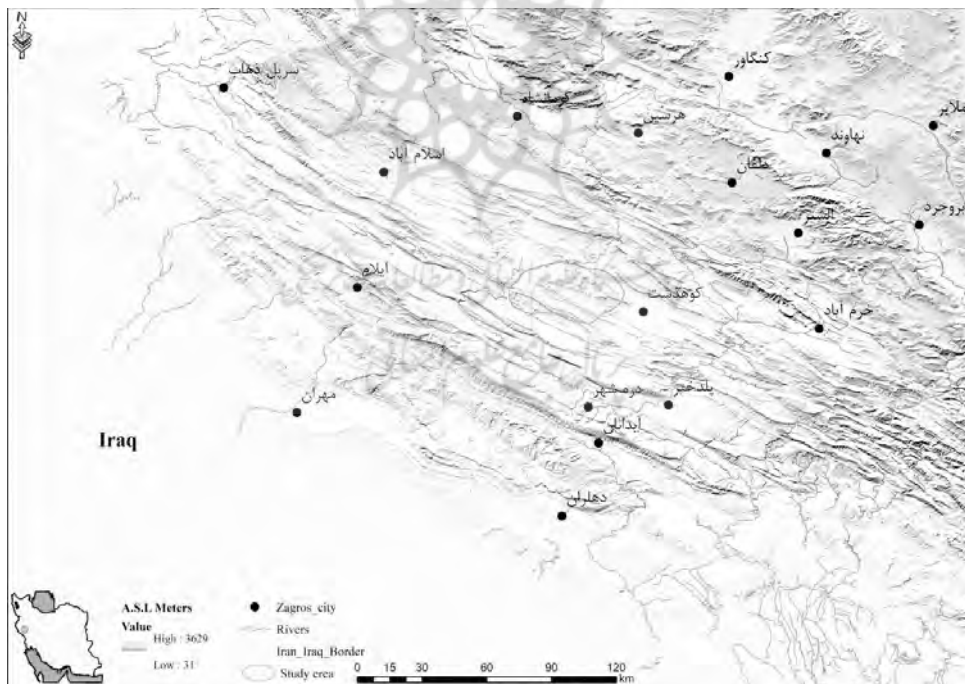
یکی دیگر از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه پیشکوه کاوش مجدد محوطه سُرخ دم‌لری در سال ۱۳۸۸ و حدود ۷۰ سال پس از کاوش‌های اشمیت به سرپرستی کامیار عبدی انجام شد (عبدی، ۱۳۸۸). عباس مقدم در چند محوطه در حوضه سد سیمره از جمله چهارآرو، چم‌قوله و چشمه رجب به گمانه‌زنی به منظور لایه‌نگاری پرداخته است (مقدم، ۱۳۸۸). حجت‌داری تپه پیش از تاریخی چیا سبز شرقی را کاوش کرده است، وی این محوطه را از دوره نوسنگی بدون سفال می‌داند (داری، ۱۳۸۸). کاوش‌های نجات بخشی حوضه سد سیمره، در سال ۱۳۸۹ نیز ادامه یافت. مصیب امیری تپه چهارآرو را پس از مقدم مجدداً کاوش کرد (امیری، ۱۳۸۹ الف). از دیگر زیستگاه‌های کاوش شده در حوضه سد سیمره محوطه قلعه گبری در مجاورت مجموعه آثار بردقباله (برزقاوله) را عطا حسن‌پور (حسن‌پور، ۱۳۸۹)، محوطه فراش را لیلی نیاکان که با توجه به مواد فرهنگی آن به دوره اروک و جم‌دنت نصر تاریخ‌گذاری شده بررسی کرده‌اند (نیاکان، ۱۳۸۹). مصیب امیری به کاوش حوضه سد سیمره، قبرستان چیا سبز غربی، پرداخته که با توجه به اشیاء مفرغی و سفالی به دست آمده به اواخر دوره مفرغ (گودین III ۲) نسبت داده شده است (امیری، ۱۳۸۹ ب). همچنین در سال ۱۳۹۸ بخش درب‌گنبد شهرستان کوهدشت را تیمی به سرپرستی حمزه قبادی‌زاده بررسی و شواهدی از زیستگاه‌های باستانی دوره پارینه سنگی قدیم تا دوره متأخر اسلامی شناسایی کرده‌اند (قبادی‌زاده، ۱۳۹۹). با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در پیشکوه غربی که در بالا به آنها اشاره

شد، اکثر فعالیت‌ها در این منطقه به کاوش نجات بخشی و اضطرابی محدود می‌شود و از دوره‌های مختلف از جمله مس و سنگ پژوهش علمی و پرسش محوری انجام نشده است.

۱. محدوده جغرافیایی منطقه مورد بررسی

دره‌های بلوران و کشماهور از جمله دره‌های میان‌کوهی غرب زاگرس میانی هستند که از نظر تقسیمات سیاسی جزو بخش درب‌گنبد شهرستان کوه‌دشت استان لرستان به شمار می‌روند. افزون بر آن، بخشی از دره هلیلان نیز از نظر جغرافیایی در جنوب رودخانه سیمره قرار گرفته که هم‌اکنون از نظر تقسیمات سیاسی متعلق به بخش درب‌گنبد شهرستان کوه‌دشت استان لرستان است (شکل شماره ۱). از نظر تقسیمات سیاسی، رودخانه سیمره مرز دو استان لرستان و ایلام است به صورتی که بخش شمالی رودخانه در دره هلیلان مربوط به استان ایلام و بخش جنوبی مربوط به شهرستان کوه‌دشت است. بیشتر قسمت دره را ضلع شمال رودخانه در برگرفته و فقط بخش محدودی از آن در ضلع جنوبی سیمره قرار گرفته است (شکل شماره ۲). بیشترین پهناي قسمت جنوبی دره هلیلان، در محدوده روستاهای چم دیلاوند تا شیراوند است که در پهن‌ترین قسمت به ۳ کیلومتر می‌رسد. در سایر بخش‌ها، به ویژه نواحی شرقی، رودخانه تا دامنه نواحی کوهستانی پیش آمده و عملاً تمامی دشت در ضلع شمالی رودخانه قرار دارد. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که پهناي ذکر شده در محدوده روستاهای چم دیلاوند تا شیراوند نیز قبلاً مسیر رودخانه سیمره بوده و تراس قدیمی رودخانه دقیقاً تا زیر روستاهای چم دیلاوند و شیراوند آمده است (شکل شماره ۳). سطح دشت ناهموار بوده و عوارضی به صورت زنجیره‌ای از تپه‌ماهورها دیده می‌شود. کوه‌های حُرزَنه و ویان بخش‌های جنوبی دره هلیلان و محدوده بررسی را در برمی‌گیرند. دره هلیلان از طریق دره‌های بلوران، تنگ‌گرمه، حمام‌لان، تنگ‌سپله و تنگ شایباخ به سایر نقاط زاگرس میانی از جمله دشت کوه‌دشت و کرمانشاه متصل می‌شود. این قسمت از دره هلیلان به طور متوسط بین ۹۰۰ تا ۹۵۰ متر از سطح دریا بالاتر است، اما در ارتفاعات اطراف، به ۱۸۳۰ متر نیز می‌رسد. منبع اصلی آب هلیلان رودخانه سیمره است که با ادغام دو رودخانه گاماسیاب و قره‌سو در مکانی معروف به گله‌جار بین دو روستای پاسار و فرامان در ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی کرمانشاه تشکیل شده است. رودخانه سیمره از طریق تنگه حمام‌لان وارد دره شده و از طریق تنگه سپیله از هلیلان خارج می‌شود. رودخانه از دهانه دره حمام‌لان تا تنگه سپیله بیش از ۳۰ کیلومتر طول دارد (Davoudi & Abbasnejad 2016: 17). این وضعیت جغرافیایی مطلوب در کنار پوشش گیاهی مناسب و انواع

پستانداران و آبزیان شرایط زیستی مناسبی را در این قسمت از غرب زاگرس میانی فراهم آورده است. منطقه هلیلان ترکیبی از سازندهای زمین شناسی امیران، آسماری شهبازان، کشکان، گورپی، تله زنگ، گچساران و امام حسن است. وجود یک گسل کوچک به موازات رودخانه سیمره، در نزدیکی مرز لرستان، ایلام و در امتداد رودخانه سیمره، نشانگر فعالیت های تکتونیکی در آن است. این سازندها شامل آهکی، ماسه سنگ و کنگلومرا حاوی سنگ چرت است (Ibid). برخلاف باریکه جنوبی دره هلیلان، دره های میان کوهی کشماهور و بلوران تا حدی وضعیت متفاوتی دارند. در هر دو دره کشماهور و بلوران متوسط ارتفاع از سطح دریا بالاتر از ۱۴۵۰ متر و این وضعیت، زیست محیط نسبتاً متفاوتی را ایجاد کرده است. با وجود فاصله کم این دو دره تا دره هلیلان زمستان های بلوران و کشماهور به علت ارتفاع بیشتر سردتر از هلیلان است و این امر باعث شکل گیری پوشش جنگلی و گیاهی متفاوتی در این دو منطقه شده است.



شکل شماره ۱. موقعیت منطقه مورد بررسی در زاگرس میانی و غرب شهرستان کوهداشت



شکل شماره ۲. قسمت جنوبی دره هیلان در بخش درب‌گنبد شهرستان کوه‌دشت (دید از جنوب غرب)



شکل شماره ۳. تراس قدیمی رودخانه سیمره در حاشیه روستای چم‌دیلاوند

ردیف	نام محوطه	کد بررسی	عرض شمالی (N) ۳۸ S	طول شرقی (E) ۳۸ S	ارتفاع از سطح دریا (متر)	قدمت
۱	پشت کیسل ۲	۰۲۱	۳۷۳۰۸۶۰	۶۹۳۰۸۱	۹۱۰	مس و سنگ قدیم و میانه
۲	سرتپه بلوران	۰۴۳	۳۷۱۲۸۶۱	۷۱۶۵۶۰۰۳	۱۴۸۸	مس و سنگ قدیم، میانه و جدید
۳	قورگوری بره ترک	۰۶۸	۳۷۱۴۲۶۵	۷۲۰۵۸۳	۱۵۲۰	مس و سنگ قدیم و میانه
۴	چشمه سفید ۱	۰۶۱	۳۷۱۳۹۸۳۰۳	۷۲۴۷۹۸۰۹۹	۱۴۰۰	مس و سنگ قدیم و میانه
۵	سی پله	۰۲۲	۳۷۲۴۳۵۴	۶۸۸۲۲۹	۹۵۰	مس و سنگ قدیم
۶	دره حمام	۰۲۸	۳۷۳۱۵۱۷۰۷۳	۷۲۶۵۳۵۰۶۱	۱۱۴۰	مس و سنگ قدیم و میانه
۷	بلین ۲	۰۵۵	۳۷۱۴۶۲۰	۷۲۷۷۷۴	۱۳۶۵	مس و سنگ قدیم
۸	غار جمی	۰۱۲	۳۷۲۸۳۴۴	۷۰۴۰۹۸	۱۱۷۰	مس و سنگ میانه
۹	خرمانجاه	۰۳۱	۳۷۲۴۷۲۸۰۰۴	۷۰۳۸۲۱۰۹۷	۱۴۹۲	مس و سنگ میانه و جدید
۱۰	خلیف	۰۰۳	۳۷۳۰۵۶۶	۶۹۸۴۸۳	۹۱۵	مس و سنگ میانه
۱۱	امروکو	۱۰۷	۳۷۲۶۲۸۵	۷۰۹۸۷۵	۱۵۸۷	مس و سنگ میانه و جدید
۱۲	دارتاوی کشماهور	۰۸۳	۳۷۲۱۸۵۸۰۰۲	۷۰۹۱۵۴۰۰۱	۱۵۲۰	مس و سنگ میانه

جدول شماره ۱. زیستگاه‌های دوره مس و سنگ بخش درب‌گنبد شهرستان کوهدشت



شکل شماره ۴. محوطه سرتپه بلوران دید از غرب

۲. زیستگاه‌های دوره مس و سنگ قدیم

از میان ۱۲ محوطه شناسایی شده مربوط به دوره مس و سنگ، ۷ محوطه پشت کیسل، سرتپه، بلین، قورگوری بره ترک، چشمه سفید، سی پله و دره حمام مربوط به دوره مس و سنگ قدیم هستند (شکل شماره ۵). سفال‌های شناسایی شده از دوره مس و سنگ قدیم از سطح زیستگاه‌های یاد شده، سفال موسوم به گونه جی (J ware) می‌باشد. بیشترین گونه‌های شناسایی شده نوع جی از سطح محوطه سرتپه جمع آوری شد (شکل شماره ۶). سفال‌های نوع جی به دست آمده از زیستگاه‌های دوره مس و سنگ نواحی شمال غرب کوه‌دشت مشابه سفال‌های گونه جی منطقه ماهیدشت است. سفال‌های نوع جی منطقه بررسی شده در تمامی موارد نوعی پوشش غلیظ دارند که در طیف رنگی قرمز سوخته، قهوه‌ای روشن، قهوه‌ای سوخته و نارنجی قابل دسته‌بندی هستند. در بیشتر گونه‌های به دست آمده، دو طرف داخل و بیرون ظرف پوشش‌های یاد شده را دارند (شکل شماره ۶: شماره‌های ۳، ۴، ۵، ۸)، اما در مواردی نیز فقط سطح بیرونی این پوشش را دارد و در این دسته فقط باریکه‌ای از لبه بالایی ظرف در قسمت داخل پوشش داده شده است (شکل شماره ۶: شماره‌های ۱، ۲، ۶، ۷). سفال‌ها نوع جی دست‌ساز، خوش ساخت، ظریف و محکم بوده و در خمیره آنها قطعات بسیار ریزکاه (خرده کاه)

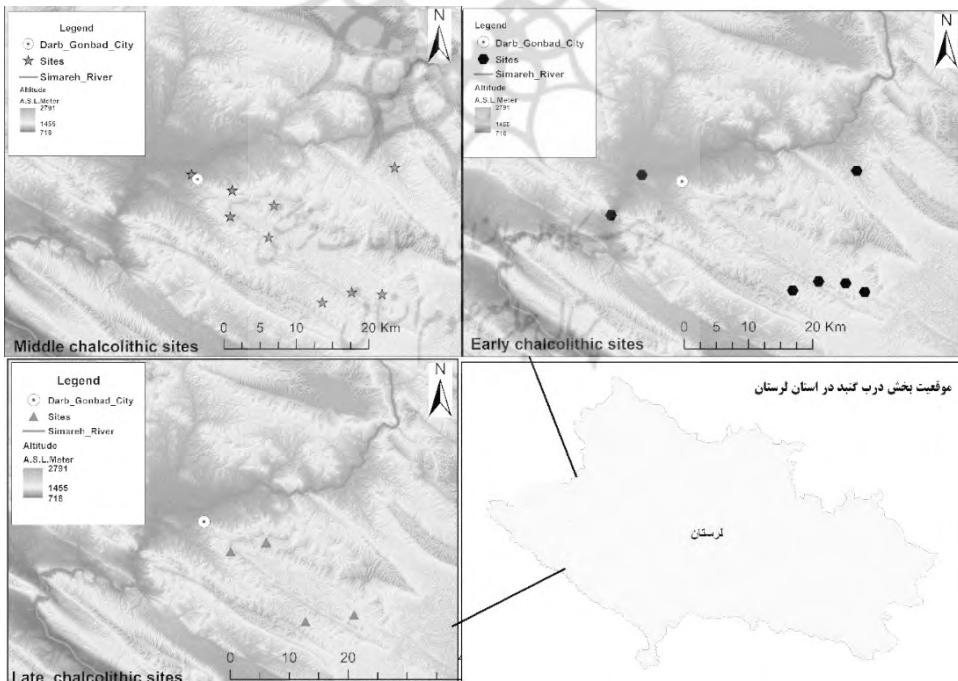
دیده می‌شود. افزون بر سفال‌های دارای پوشش غلیظ قطعات محدودی سفال منقوش نیز گزارش شده است. یک نمونه از این تزیینات به صورت خطوط موازی افقی می‌باشد که با باندهایی از بالا و پایین محصور شده‌اند (شکل شماره ۶: شماره ۹). نمونه‌هایی از این نوع تزیینات در میان سفال‌های منقوش گونه جی ماهیدشت نیز مشاهده می‌شود (Levine & McDonald, 1977: 41).

۳. زیستگاه‌های دوره مس و سنگ میانی

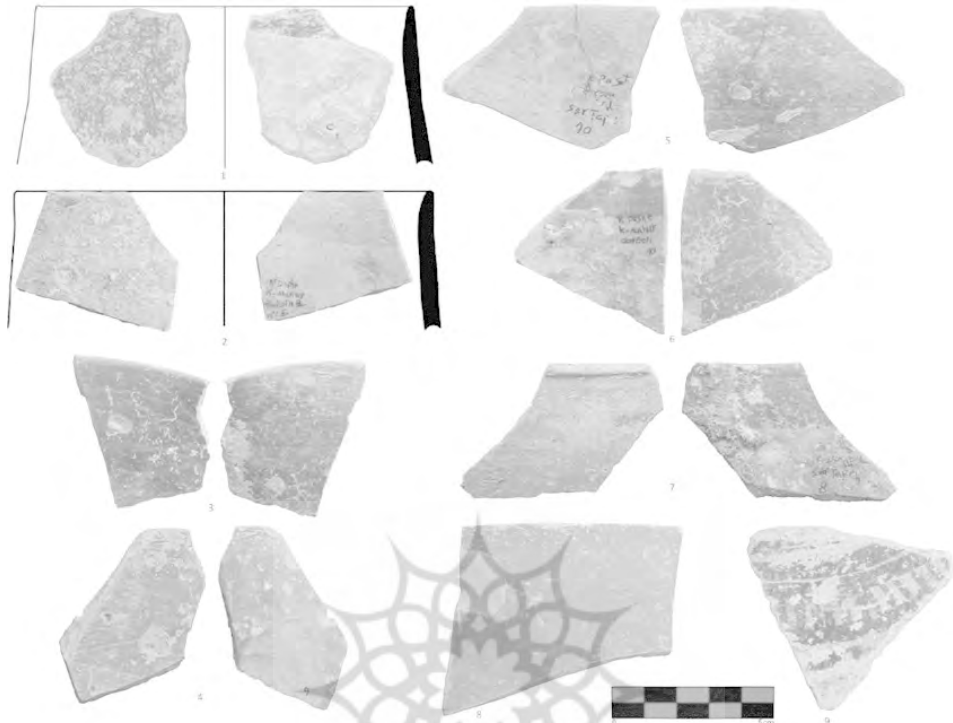
همان‌طور که ذکر شد، منطقه مورد بررسی بخشی از قلمرو پهنه فرهنگی زاگرس میانی در نیمه غربی ایران است. در نتیجه، قاعدتاً طبق توالی فرهنگی پیش از تاریخ آن، پس از سفال‌های نوع جی دوره مس و سنگ قدیم، در دوره مس و سنگ میانی با گونه متفاوتی موسوم به سفال نوع سیاه بر روی زمینه نخودی (BOB) مشاهده می‌شود. این گونه سفال‌های نخودی رنگ بسیار خوش ساخت هستند که بدنه خارجی آنها با نقوش سیاه رنگی تزیین شده است. این گونه سفالی از سطح ۹ محوطه شامل؛ امروکو، خرمانجاه، قورگوری بره کلک، دره حمام، چشمه سفید ۱، خلیف، دارتاوی، سرپیه بلوران و غار جمی در شمال کوه‌دشت به دست آمد (شکل شماره ۵). سفال‌های نوع سیاه روی نخودی (BOB) منطقه فاقد پوشش خاصی بوده و نقش مستقیماً بر خمیره سفال اجرا شده است. تزیینات غالباً بر روی قسمت بیرونی ظروف نقش شده و قسمت داخل آن نقش ندارد. فقط در برخی موارد نوار باریکی از لبه بالایی ظرف در قسمت داخلی منقوش است. تزیینات غالب سفال‌های نخودی منقوش عبارتند از: نقوش جناغی آویزان در قسمت لبه، مثلث‌های توپر آویزان از لبه که تا قسمت‌های انتهایی ظرف ادامه دارد، هاشورهای متقاطع، نقوش طنابی، باندهای موازی، خطوط نرده بانی و نوارهای پهن است (شکل شماره ۷). نمونه‌های ذکر شده کاملاً شبیه به سفال‌های گونه سیاه روی نخودی (BOB) مناطق همجوار و به ویژه حوزه ماهیدشت در غرب کرمانشاه است (Henrickson, 1985a: 84-85). از جمله جالب‌ترین تزیینات، نوعی شیارهای کنده کم عمق است که به صورت متراکم نقش شده و به وسیله باندهای مورب سیاه رنگی از دو طرف محصور شده‌اند.

از سطح سه محوطه مرجمی، خلیف و دارتاوی کشماهور تنها سفال نوع سیاه روی نخودی (BOB) به دست آمد. این احتمال وجود دارد که این سه محوطه در دوره مس و سنگ میانی برای نخستین بار شکل گرفته باشند، هر چند بر اساس یافته‌های سطحی و حاصل از بررسی نمی‌توان نظر قطعی داد و برای پاسخ به این پرسش‌ها نیاز به کاوش این زیستگاه‌ها است. افزون بر افزایش تعداد

زیستگاه‌ها نسبت به دوره پیش، تغییرات دیگری نیز در الگوی پراکنش و شکل‌گیری محوطه‌های با نهشته‌های فرهنگی بسیار کم با شروع دوره مس و سنگ میانی مشاهده می‌شود. بر خلاف دوره مس و سنگ قدیم که تمامی زیستگاه‌ها از نوع استقرارهای یکجانشین بوده‌اند، آثار این دوره از داخل غارها از جمله غار جُمی و یا زیستگاه‌های با نهشته باستانی کم مانند دارتاوی و خلیف نیز مشاهده می‌شود که می‌تواند به دلیل استقرار غیر دائم در این زیستگاه باشد. موقعیت زیست محیطی که غار جُمی در آن شکل گرفته بیشتر مساعد جوامع رمه گردان است تا جوامع یکجانشین. این غار در دامنه کوه ویان در جنوب هلیلان به دور از دشت و در یک منطقه با پوشش جنگلی و مراتع سرشار شکل گرفته است. شواهد ذکر شده نشان می‌دهد که در دوره مس و سنگ میانی افزون بر زندگی یکجانشینی گسترش زندگی رمه‌گردانی و کوچ‌نشینی در منطقه مشاهده می‌شود. به طور کلی رواج شیوه رمه‌گردانی تخصصی و زندگی عشایری در زاگرس میانی در این دوران فقط محدود به منطقه کوه‌دشت نیست و شواهد آن در دیگر مناطق زاگرس میانی پیشتر به تفصیل مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است (Henrickson, 1985b; Abdi, 2003; Hole, 1978).



شکل شماره ۵: پراکنش زیستگاه‌های دوره مس و سنگ بخش درب‌گنبد به تفکیک قدیم، میانه و جدید



شکل شماره ۶. نمونه سفال‌های جی دهستان‌های درب‌گنبد و بلوران
(۱ سی پله، ۲ بلین، ۳ و ۶ بره ترک، ۴، ۵ و ۷ سرتپه بلوران)

زیستگاه‌های دوره مس و سنگ جدید

برخلاف فازهای اولیه دوره مس و سنگ که فرهنگ‌های یکدستی را به نمایش می‌گذارد، با شروع دوره مس و سنگ جدید در اواخر هزاره ۵ و اوایل هزاره ۴ پ.م فرهنگ‌های گوناگون سفالی در مناطق مختلف غرب ایران شکل گرفته است. منطقه مورد بررسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و در دوره مس و سنگ جدید فرهنگ‌های متفاوت سفالی در این حوزه رواج می‌یابد. بر طبق جدول گاهنگاری غرب زاگرس میانی، یکی از سنت‌های سفالی اوایل دوره مس و سنگ جدید در این حوزه سفالی منقوش موسوم به (Red White and Black) RWB است (Levine & Young, 1987: 35). این گونه سفالی یک نوع سفال منقوش مربوط به اوایل دوره مس و سنگ جدید در غرب زاگرس میانی است و اطلاعات چندانی در ارتباط با آن در دسترس نیست. در بررسی صورت گرفته از سطح زیستگاه‌های سرتپه و خرمانجاه قطعاتی از این گونه سفالی شناسایی شده است (شکل شماره ۸: شماره‌های ۱، ۲، ۳). خمیره این سفال‌ها به رنگ قرمز روشن است که بر

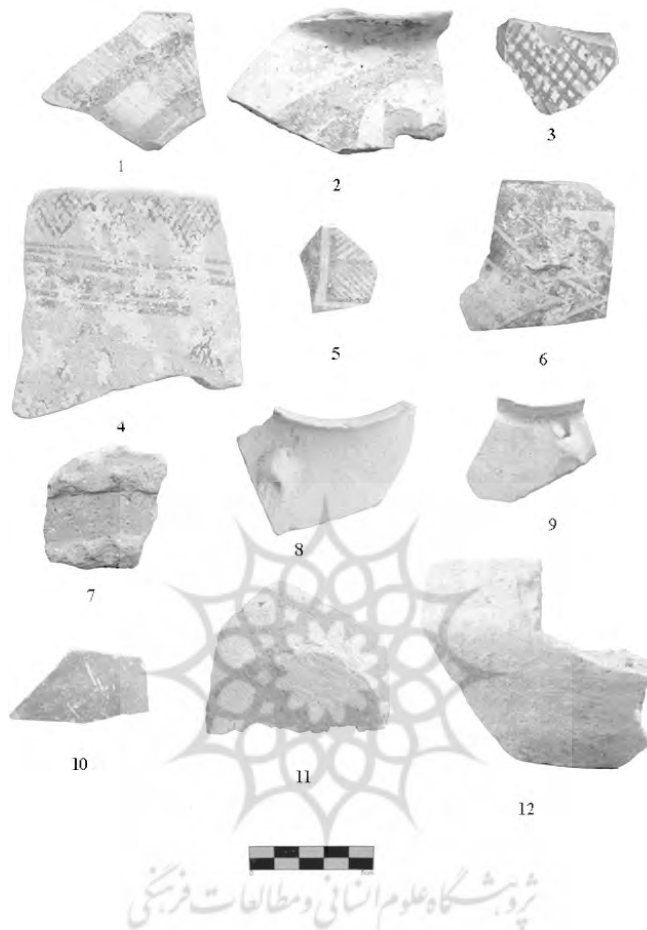
روی آن لعابی کرم رنگ و بر روی لعاب یاد شده نیز نقوش هندسی سیاه رنگ مشاهده می‌شود. فرم سفال‌های گونه RWB منطقه کوه‌دشت و نوع تزیینات آنها شبیه به نمونه‌های محوطه چغاماران در ماهیدشت است (Henrickson, 1985a: 92, 96).

از دیگر گونه‌های سفالی اوایل دوره مس و سنگ جدید منطقه، گونه منقوش دیگری با نام سفال قرمز رنگ با نقوش سیاه و یا به اصطلاح (BOR/ Black on Red) است (Levine & Young, 1987: 35). نمونه‌هایی از این گونه سفالی نیز از سطح زیستگاه‌های خرمانجاه و امروکو گردآوری شده است (شکل شماره ۸: شماره‌های ۴، ۵، ۶). ذکر این مطلب لازم است که گونه‌های منقوش یاد شده مربوط به فازهای اولیه دوره مس و سنگ جدید در اواخر هزاره ۵ پ.م هستند که با شروع هزاره ۴ پ.م با سفال‌های ساده و بدون نقش جایگزین شدند. متأسفانه از فرهنگ‌های اوایل تا اواسط هزاره ۴ پ.م (۴۰۰۰-۳۵۰۰ پ.م / گودین ۲/VII/VI) خبری نیست و تنها شواهد محدودی از فرهنگ‌های



پایانی دوره مس و سنگ جدید در نیمه دوم و اواخر هزاره ۴ پ.م در منطقه بررسی شده به دست آمده است. از جمله سفال‌های نیمه دوم و اواخر هزاره ۴ پ.م می‌توان به سفال‌های نوع اوروک / جم‌د نصر و سایر سفال‌های ساده کاهروی این دوره اشاره کرد (شکل شماره ۸: شماره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲).

شکل شماره ۷. گروهی دیگر از سفال‌های نوع BOB مناطق درب‌گنبد و بلوران (شماره‌های ۱، ۳، ۵، ۶، ۸ و تورگوری بره کلک؛ شماره‌های ۲ و ۴ چشمه سفید؛ شماره‌های ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵ از تپه خرمانجاه و شماره‌های ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۷ از محوطه سرتپه بلوران) (طرح از نگارندگان، ۱۳۹۹).



شکل شماره ۸. نمونه سفال‌های دوره مس و سنگ جدید منطقه بررسی شده (شماره‌های ۱ و ۳ گونه RWB، محوطه سرتپه؛ شماره ۲ گونه RWB، محوطه خرمانجاه؛ شماره‌های ۴ و ۶ گونه BOR، محوطه خرمانجاه؛ شماره ۵ گونه BOR، محوطه امروکو؛ شماره ۸ گونه دسته دماغی، محوطه چشمه سفید؛ شماره‌های ۱، ۹ گونه دسته دماغی، محوطه سرتپه؛ شماره‌های ۷ و ۱۰ گونه اوروک / جمدت نصر، محوطه خرمانجاه؛ شماره ۱۱ گونه تکنیک کف نخبر، دوره اوروک از محوطه سرتپه؛ شماره ۱۲ سفال با بافت کاهرو، دوران اوروک از محوطه سرتپه)

بررسی و مطالعه کلی زیستگاه‌های دوره مس و سنگ نشان می‌دهد که شروع گسترده استقرارهای یکجانشین در محدوده مورد بررسی، از دوره مس و سنگ قدیم شروع شده است. در این دوره شواهدی از سفال موسوم به نوع جی، یک گونه سفالی متعلق به فازهای ابتدایی دوره مس و سنگ در غرب زاگرس میانی (Levine & McDonald, 1977; Levine & Young, 1987)، از سطح هفت محوطه شناسایی شده است. سفال‌های فاز بعدی (مس و سنگ میانی) طبق توالی زاگرس میانی نوعی سفال

نخودی منقوش موسوم به نوع^۱ BOB (Henrickson, 1985a: 70) است که از سطح نه محوطه شناسایی شده‌اند. افزون بر افزایش تعداد زیستگاه‌ها نسبت به فاز قبلی، تغییراتی در الگوی استقرار آنها نیز مشاهده می‌شود. در این دوره مضاف بر زیستگاه‌های یکجانشین، این گونه سفالی از داخل غارها و استقرارهای با نهشته‌های کم نیز شناسایی گردیده که نشان از اهمیت یافتن زندگی رمه‌گردانی در این دوره است. در دوره مس و سنگ جدید کاهش تعداد زیستگاه‌ها مشهود است به گونه‌ای که سفال‌های شاخص این دوره نظیر سفال گونه مشکی روی سفید بر زمینه قرمز^۲، قرمز روی نخودی^۳، سفال نوع اوروک و سفال‌های ساده کاهرو فقط از سطح^۴ محوطه سر تپه بلوران، خرمانجاه، امروکو و چشمه سفید شناسایی شده است. در این دوره افزون بر مناطق غربی زاگرس میانی، شواهدی از ارتباطات و برهم کنش‌های فرهنگی با مناطق جنوب غربی ایران نظیر دشت‌های رسوبی خوزستان قابل مشاهده است. ذکر این مطلب لازم است که محدوده مورد بررسی بخشی از گستره پهنه فرهنگی زاگرس میانی است (Henrickson, 1985a: 65) که این مورد به روشنی در نوع یافته‌های حاصل از بررسی مشاهده می‌شود. اما همانطور که ذکر شد به غیر از شواهد فرهنگی مربوط به زاگرس میانی، نشانه‌هایی از تأثیر و ارتباطات فرهنگی با سایر مناطق همجوار به ویژه فرهنگ‌های جنوب غربی ایران نیز مشاهده می‌شود. شواهد یاد شده به موقعیت جغرافیایی منطقه باز می‌گردد که همانند کریدوری عمل می‌کند که فرهنگ‌های نواحی مرتفع غرب کرمانشاه را به فرهنگ‌های مناطق پست در جنوب غرب ایران متصل می‌کند.

نتیجه‌گیری

با نگاهی به موقعیت جغرافیایی محدوده بررسی شده در منطقه کوه‌دشت مشخص می‌گردد که این منطقه در غرب حوزه زاگرس میانی واقع شده است و در نتیجه باید از نظر فرهنگی نیز مطابق به فرهنگ‌های غرب زاگرس میانی باشد. مطالعه فرهنگ‌های سفالی دوران مس و سنگ منطقه چه از نظر گونه‌های شاخص سفالی و چه نوع استقرارها و الگوی پراکنش به ویژه در دوران ابتدایی کاملاً منطبق با غرب زاگرس میانی است؛ اما در اواخر این دوره و با توجه به گسترش ارتباطات و شکل‌گیری فرهنگ‌های فرامنطقه‌ای تأثیر و تأثرات بیشتری در این منطقه و به ویژه با فرهنگ‌های مناطق پست (خوزستان و جنوب میان‌رودان) مشاهده می‌شود.

1. Black on Buff
2. RWB
3. BOR

در بررسی که در اسفند سال ۱۳۹۸، در شمال غرب کوهدشت و بخش درب گنبد نگارندگان انجام داده‌اند، تعداد هفت محوطه از دوره مس و سنگ قدیم شناسایی شد که از این میان فقط در سطح دو محوطه، آثار دوره‌های قدیمی‌تر شناسایی شد. در سطح محوطه‌های سر تپه بلوران و قورگوری بره ترک آثار دوره نوسنگی نیز شناسایی شد که نشان می‌دهد هسته اولیه این دو محوطه از دوره نوسنگی شکل گرفته و استقرار در آنها در دوره مس و سنگ نیز ادامه یافته است. این تعداد محوطه نشان از گسترش استقرارها با شروع دوره مس و سنگ قدیم در منطقه بررسی شده، موقعیتی که در دیگر مناطق و به ویژه پهنه ماهیدشت نیز رخ داده است. در ماهیدشت نیز با پایان دوره نوسنگی و شروع دوره مس و سنگ همانند منطقه مورد بررسی این پژوهش گسترش تعداد استقرارها مشاهده می‌شود. تمامی زیستگاه‌های یاد شده از نوع زیستگاه‌های تپه‌ای (دارای نهشته استقراری با حجم بالا) بوده که احتمالاً استقرارهای دائمی شکل گرفته در جوار منابع آبی دائمی نظیر رودخانه سیمره و یا چشمه‌ها و سراب‌ها هستند. از میان زیستگاه‌های با شواهد دوره مس و سنگ قدیم، محوطه سر تپه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این محوطه در مدخل ورودی شهر بلوران و در کناره جاده کرمانشاه - خوزستان واقع شده، بیشترین گونه‌های شناسایی شده نوع جی از سطح محوطه سر تپه جمع‌آوری شده است. با توجه به وجود شواهد سفالی دوره نوسنگی، وسعت تپه و حجم زیاد لایه‌های استقراری و نیز تنوع و فراوانی سفال‌های نوع جی از دوره مس و سنگ قدیم بر سطح تپه، سر تپه می‌تواند به عنوان محوطه کلیدی در ارتباط با شکل‌گیری و گسترش این فرهنگ در منطقه محسوب شود.

با شروع دوره بعد هم فرهنگ‌های سفالی و هم نوع زیستگاه‌ها با تغییراتی همراه بوده است. با پایان دوره مس و سنگ قدیم، سفال‌های نوع جی از بین رفته و جای خود را به سفال‌های نخودی منقوش موسوم به نوع BOB داده است. در این دوره، افزون بر استقرارهای یکجانشین، زیستگاه‌های تک دوره‌ای و کمپ‌های کوچ‌نشین و رمه‌گردان نیز مشاهده می‌شود. آثار این دسته از زیستگاه‌ها بیشتر خارج از دشت و در داخل غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای و یا زیستگاه‌های با نهشته فرهنگی بسیار محدود است. شواهد یاد شده نشان می‌دهد که این منطقه نیز در تغییر و تحولات فرهنگی که در تمامی مناطق زاگرس میانی در حال رخ دادن بوده، سهم و جدای از سایر مناطق نبوده است. با شروع دوره مس و سنگ جدید، افزون بر تأثیر و تأثرات و ارتباطات منطقه مورد بررسی با دشت‌های مرتفع در شمال، نشانه‌هایی از ارتباطات و برهم کنش‌های فرهنگی با مناطق جنوبی نظیر دشت‌های پست خوزستان و یا جنوب میان‌رودان نیز مشاهده می‌شود. در اوایل دوره مس و سنگ جدید، هنوز فرهنگ‌های سفالی مناطق مرتفع نظیر گونه‌های RWB و BOR رایج است، اما در فازهای پایانی و

میانی این دوره در هزاره ۴ پ.م تغییر جهت به سمت فرهنگ‌های مناطق پست (اوروک / جمدت نصر) نیز رخ داده است. به طور کلی این نوع تأثیر و تأثرات فرهنگی با دشت‌های مرتفع در شمال و یا نواحی پست در جنوب به دلیل موقعیت ویژه جغرافیایی منطقه است. کوه‌دشت همانند کریدوری، دشت‌های غرب کرمانشاه در شمال را به دشت‌های رسوبی خوزستان در جنوب وصل می‌کند. مناطق یاد شده به راحتی با رودخانهٔ سیمره که یک سر آن در کرمانشاه و سر دیگر آن در خوزستان است به یکدیگر متصل می‌شوند. این منطقه در هزاران سال محل آمد و شد ساکنین غرب ایران است. بدون شک این آمد و شدها تأثیر خود را بر فرهنگ‌های موجود در این منطقه گذاشته است. به طرز جالبی در میان ساکنین امروزی نیز وجود نشانه‌هایی از اشتراکات فرهنگی از مناطق جنوب و شمال در این منطقه مشاهده می‌شود. این نشانه‌ها فقط مربوط به زمان حال نیست و در فرهنگ‌های گذشته و از دوران پیش از تاریخ نیز این نوع ارتباطات و تأثیر و تأثرات وجود داشته است.

کتابنامه

- امیری، مصیب. (۱۳۸۹ الف). «گزارش کاوش نجات‌بخشی تپهٔ چهار آورو در حوزهٔ سد سیمره». تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی کشور [منتشر نشده].
- امیری، مصیب. (۱۳۸۹ ب). «گزارش کاوش نجات‌بخشی تپهٔ چیا سبز در حوزهٔ سد سیمره». تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی کشور [منتشر نشده].
- ایزدپناه، حمید. (۱۳۶۳). آثار باستانی و تاریخی لرستان. تهران: انتشارات آگاه.
- حسن پور، عطا. (۱۳۸۹). «گزارش کاوش نجات‌بخشی محوطهٔ قلعهٔ گبری». تهران: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور [منتشر نشده].
- خدیش، پوریا. (۱۳۸۶). «گزارش حفاری لایه‌نگاری تپهٔ توبره ریز کوه‌دشت لرستان». تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان لرستان [منتشر نشده].
- دارابی، حجت. (۱۳۸۸). «گزارش کاوش نجات‌بخشی تپهٔ چیا سبز شرقی در حوضهٔ سد سیمره». تهران: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور [منتشر نشده].
- دهقانی فرد، حسن، (۱۳۸۶). «گزارش گزارش بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی شهرستان کوه‌دشت؛ فصل دوم بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان کوه‌دشت: بخش‌های مرکزی، طرهان و کونانی». تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی کشور [منتشر نشده].
- شیشه‌گر، آرمان. (۱۳۸۴). «گزارش کاوش محوطهٔ باستانی سرخ دم لکی کوه‌دشت لرستان، فصل دوم تا ششم ۱۳۷۹-۱۳۸۳». تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، معاونت پژوهشی، پژوهشکده باستان‌شناسی.

- صراف، محمدرحیم. (۱۳۴۸). «گزارش بررسی بخش رومشگان». تهران: مرکز اسناد میراث فرهنگی استان لرستان [منتشر نشده].
- عبدی، کامیار. (۱۳۸۸). «گزارش نخستین فصل از دور دوم کاوش‌های باستان‌شناختی سرخ دم‌لری». تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی کشور [منتشر نشده].
- قبادی‌زاده، حمزه. (۱۳۹۹). «گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دهستان‌های کشماهور و بلوران بخش درب‌گنبد شهرستان کوه‌دشت استان لرستان». تهران: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان [منتشر نشده].
- مرادی، بابک. (۱۳۸۷). «بررسی باستان‌شناختی غار و پناهگاه‌های صخره‌ای کوه‌دشت». تهران: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی لرستان [منتشر نشده].
- مقدم، عباس. (۱۳۸۸). «کاوش نجات‌بخشی محوطه چم‌قوله حوزه سد سیمره». تهران: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی کشور [منتشر نشده].
- مهریار، محمد؛ کبیری، احمد. (۱۳۶۰). «بررسی بخش طرحان و کوه‌تانی». تهران: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور [منتشر نشده].
- نیاکان، لیلی. (۱۳۸۹). «گزارش کاوش نجات‌بخشی قلعه پیروز، حوزه سد سیمره». تهران: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور [منتشر نشده].
- Abdi, K. (2003). "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains". *Journal of World Prehistory*. Vol17 .. No. 4. pp 395-448.
- Davoudi, D. R. Abbasnejad Series. (2016). "The Paleolithic Survey of Holeylan, Central Zagros". *Iran, Intl. J. Humanities*. Vol. 23. No. 3. pp 15-38.
- Goff, M. C. (1968). "Luristan in the first half of the first Millennium B.C, A preliminary report on the first seasons Excavations at Babajan and associated surveys in the Easter pish-ikuh". *Iran*. Vol 6. pp 105-134.
- Goff, M. C. (1969). "Excavations at Babajan Tepe, 1967, Second preliminary report". *Iran*. Vol 7. pp 130-195.
- Goff, M. C. (1970). "Excavations at Babajan Tepe, 1968. Third preliminary report". *Iran*. Vol 8. pp 141-156.
- Goff, M. C. (1971). "Luristan before the Iron Age." *Iran*. Vol. 9. pp 131-152.
- Goff, M. C. (1976). "Excavations at Bābā Jān: The Bronze Age Occupation". *Iran*. Vol. 14. pp 19-40.
- Goff, M. C. (1977). "Excavations at Baba Jan: The Architecture of the East Mound, Levels II and III". *Iran*. Vol. 15. pp 103-140.

- Goff, M. C. (1978). "Excavations at Baba Jan: The Pottery and Metal from Levels III and II". *Iran*. Vol. 16. pp 29-65.
- Goff, M. C. (1985). "Excavations at Baba Jan: The Architecture and Pottery of Level I". *Iran*. Vol. 2. pp 1-20.
- Henrickson, E. F. (1985 a). "An Updated Chronology of the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros Highlands, Western Iran". *Iran*. Vol: 23. pp 63-108.
- Henrickson, E. F. 1985(b). "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Highlands (Luristan)". *Iranica Antiqua*. Vol: 20. pp 1-42.
- Hole, F. (1978). "Pastoral Nomadism in Western Iran". In Gould, R. A. (ed.). *Explorations in Ethnoarchaeology*. Mexico: University of New Mexico Press Albuquerque. pp 127-167.
- Levine, L. D. Young, T. C. Jr. (1987). "A summary of the ceramic assemblages of the central Western Zagros from the middle Neolithic to the late third millennium BC". Huot, J.L. (ed.) *Préhistoire de la Mésopotamie*. Paris: Éditions du CNRS. pp: 15-53.
- Levine, L. D. McDonald, M. M. A. (1977). "The Neolithic and Chalcolithic Periods in the Mahidasht". *Iran*. Vol: 15. pp 39-50.
- Meldgaard, y. Mortensen, p. Thrane, H1963) *Excavations at Tepe Guran, Luristan Acta Archaeologica*. Copenhagen.
- Mortensen, p. (1975). "A Survey of Early prehistoric Sites in The Holailan Valley in Lorestan, Firouz Bagherzadeh (ed)". *Proceeding of the IIIed Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, 1974*". Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research.
- Otte, M. Adeli, J. Remacle, L. (2003). "Art Rupestre De I Oust Iranien/ West Iranian Art". *INORA (International Newsletter on Rock Art)* 37. pp 8-12.
- Remacle, L. Adeli, J. Otte, M. (2007). "New field research on houmian rock_art, Lorestan Province". *Iran Bastan pazhuhi*. vol.II. No.3. pp 9-17.
- Schmidt, E, F. Van Loon, M. N. Curvers, H. H. (1989). *The Holmes Expeditions to Luristan*. Chicago: Oriental Institute Publication, 108.
- Stein, A. (1940). *Old Routes of Western Iran*. New York: Greenwood Press.